

بهرامپور، ابوالفضل، ۱۳۲۰ -  
نسیم حیات تفسیر قرآن کریم: جزء پانزدهم / ابوالفضل بهرامپور. -  
قم: آوای قرآن: تهران: سبحان: حر، ۱۳۸۴.  
ص. ۳۵۱

ISBN: 964-92068-1-7 (دوره)

ISBN: 964-92068-7 (ج. ۱۵)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. تفاسیر (جزء ۱۵). ۲. تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴. الف. عنوان.

عنوان: تفسیر قرآن: جزء پانزدهم.

۲۹۷ / ۱۸

BP ۱۰۲/۴۳ / ۹۵

۱۴

۸۴-۱۷۴۸۴م

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: تفسیر نسیم حیات جزء ۱۵

مؤلف: ابوالفضل بهرام پور

ناشر: آوای قرآن

نوبت چاپ: نهم ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی و چاپ: اعتماد قم

شابک: ۱-۳ - ۹۲۰۶۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

قم - خیابان شهداء (صفائیه) پاساژ المهدی (عج) - پلاک ۱۲۶  
قم - خیابان شهداء (صفائیه) روبروی مسجد رفعت - کوچه ۳۲ - پلاک ۴۱  
تلفن: ۰۹۱۲۵۵۳۰۴۰۱ / ۰۲۵ - ۳۷۷۲۱۰۰۴ / همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۰۴۰۱

سایت: [www.bahrampur.ir](http://www.bahrampur.ir)

تقریر به

علمدار با وفای کربلا حضرت

ابوالفضل العباس علیه السلام

ای اهل حرم میر و علمدار نیامد ، علمدار نیامد  
سقای حسین سید و سالار نیامد ، علمدار نیامد

در مهر ماه سال ۸۲، زیارت عتبات عالیات، نصیب اینجانب گردید و  
پیش نویس تفسیر جزء ۱۳ و ۱۴ قرآن کریم در آن مشاهد مشرفه انجام  
گرفت. بخشی از این نوشته‌ها در حرم شریف امام حسین علیه السلام و قسمتی در  
مقابل ضریح مقدس حضرت ابوالفضل سلام الله علیه و قسمتی هم در حرم  
مولی امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شد. زیرا می دانستم که عنایات این  
بزرگواران بر کاری که در راستای اهداف مقدس آنهاست تأثیر بسزایی دارد.

## فهرست مطالب مهم

- ۱۰ ..... مقدمه
- ۱۵ ..... **اسراء / ۲ - ۳**
- ۱۵ ..... مفسر کلی و محتوای سوره
- ۱۶ ..... عذف از معراج چه بوده است؟
- ۲۳ ..... **اسراء / ۸ - ۸**
- ۲۷ ..... دو فساد بزرگ بجای اسرائیل کدام است؟
- ۳۱ ..... **اسراء / ۹ - ۱۲**
- ۳۸ ..... لیل و نهار و ارتباض با خیر و شر خواهی انسان چیست؟
- ۳۹ ..... **اسراء / ۱۳ - ۱۵**
- ۴۶ ..... **اسراء / ۱۶ - ۱۷**
- ۵۱ ..... نظر نهایی و کوتاه در باره **أَمْزَنَّا مَشْفَعَهَا**
- ۵۴ ..... **اسراء / ۱۸ - ۲۱**
- ۶۲ ..... تفاوت استعدادها به تقدیر خداوند است
- ۶۴ ..... **اسراء / ۲۲ - ۲۵**
- ۶۷ ..... شرک، ظلم عظیم است
- ۷۱ ..... خانه سالمندان
- ۷۴ ..... **اسراء / ۲۶ - ۳۰**
- ۷۵ ..... ذی القربی چه کسانی هستند؟
- ۷۷ ..... فرق تبذیر و اسراف
- ۸۱ ..... اسلام و نظریه حفظ تعادل
- ۸۶ ..... **اسراء / ۳۱ - ۳۵**
- ۸۹ ..... سقط جنین
- ۹۰ ..... آیه جامع حجاب کدام است؟
- ۹۱ ..... بعضی از آثار ویرانگر زنا در اجتماع
- ۹۷ ..... کم‌فروشی، کم‌کاری

- ۹۸ ..... اسراء / ۳۶ - ۴۰
- ۱۰۱ ..... علت اصلی سقوط و زیان انسان‌ها
- ۱۰۷ ..... اسراء / ۴۱ - ۴۴
- ۱۱۱ ..... سبب بیخ موجودات به چه معناست؟
- ۱۱۶ ..... اسراء / ۴۵ - ۴۸
- ۱۲۳ ..... اسراء / ۴۹ - ۵۲
- ۱۳۰ ..... اسراء / ۵۱ - ۵۳
- ۱۳۲ ..... شیوه تبیینی که می‌تواند یک راز زشت و زشت را نیکو کند
- ۱۳۳ ..... تعبیر خواب هارون الرشید
- ۱۳۸ ..... اسراء / ۵۶ - ۵۸
- ۱۴۴ ..... آیا یک زمانی دنیای ما خالی از سگ خواهد شد؟
- ۱۴۶ ..... اسراء / ۵۹ - ۶۰
- ۱۴۹ ..... رؤیای پیامبر و شجره ملعونه
- ۱۵۳ ..... اسراء / ۶۱ - ۶۵
- ۱۵۹ ..... اسراء / ۶۶ - ۶۹
- ۱۶۴ ..... اسراء / ۷۰ - ۷۲
- ۱۶۶ ..... انسان برتر است یا فرشتگان؟ «عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا»
- ۱۷۱ ..... یک خاطره در باره آیه «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى ...»
- ۱۷۳ ..... اسراء / ۷۳ - ۷۷
- ۱۷۸ ..... اسراء / ۷۸ - ۸۱
- ۱۸۰ ..... نماز شب‌خوان یک دعای مستجاب دارد
- ۱۸۵ ..... شفاعت چگونه مقام محمود است؟
- ۱۸۷ ..... اسراء / ۸۲ - ۸۵
- ۱۸۹ ..... یک مثال روشنگر برای «إِلَّا حَسْرًا»
- ۱۹۶ ..... اسراء / ۸۶ - ۸۹
- ۱۹۹ ..... اعجاز قرآن چگونه است؟

۱۹۹	قرآن که ابن ابی العوجا آورد
۲۰۰	اعجاز قرآن به چه معنا و برای چه کسانی است؟
۲۰۳	اسراء / ۹۰ - ۹۳
۲۰۸	اسراء / ۹۴ - ۹۷
۲۱۳	اسراء / ۹۸ - ۱۰۰
۲۱۵	• یاد چو سوار را سواره مورد تردید قرار می دهند
۲۱۶	عینین یا مثلیت «أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ»
۲۱۹	اسراء / ۱۰۱ - ۱۰۴
۲۲۰	اگر انسان قصد هدایت نداشته باشد هیچ اتفاقی نمی افتد
۲۲۱	آیات نه گانه چه بودند؟
۲۲۴	اسراء / ۱۰۵ - ۱۰۹
۲۲۸	آیا دین معلول جهل مردم است یا بی دینی دلیل جمود و جهل است؟
۲۳۰	اسراء / ۱۱۰ - ۱۱۱
۲۳۵	سوره کهف
۲۳۶	کهف / ۱ - ۵
۲۴۱	کهف / ۶ - ۸
۲۴۵	کهف / ۹ - ۱۲
۲۴۷	مختصری از ماجرای جوانان کهف
۲۵۲	کهف / ۱۳ - ۱۶
۲۵۳	ماجرای تفصیلی اصحاب کهف
۲۵۸	یک مثال و یک روانشناسی
۲۶۱	کهف / ۱۷ - ۱۸
۲۶۲	موقعیت غار
۲۶۶	کهف / ۱۹ - ۲۰
۲۷۱	کهف / ۲۱
۲۷۶	کهف / ۲۲ - ۲۴

۲۸۱	فراموشی پیامبر!
۲۸۲	کهف / ۲۵ - ۲۷
۲۸۶	کهف در کجا قرار دارد؟
۲۸۶	مهم‌های اجرای اصحاب کهف
۲۸۸	کهف / ۲۸ - ۲۹
۲۹۳	حتلاف طبقاتی
۲۹۵	کهف / ۳۰ - ۳۱
۲۹۸	کهف / ۳۱ - ۳۲
۳۰۳	کهف / ۳۲ - ۳۳
۳۰۸	کهف / ۴۲ - ۴۴
۳۱۳	کهف / ۴۵ - ۴۶
۳۱۷	کهف / ۴۷ - ۴۹
۳۲۱	نامهٔ اعمال
۳۲۱	نقش ایمان در وضع روحی انسان
۳۲۳	کهف / ۵۰ - ۵۳
۳۲۵	رای دادن به ناصالحان
۳۳۰	کهف / ۵۴ - ۵۶
۳۳۵	کهف / ۵۷ - ۵۹
۳۴۱	کهف / ۶۰ - ۶۴
۳۴۳	چرا موسی دستور می‌یابد که با خضر ملاقات کند؟
۳۴۷	کهف / ۶۵ - ۷۰

## مقدمه

### چگونه اظهار نظر کنیم؟

قرآن سفارش اکید کرده است که هرگز بر اساس ظن و حدس به کاری اقدام نکنید و بر هر کاره و کارهایی که در راه خود بر علم و برهان متکی باشید. آنجا که فرمود، از آنچه به آن آگاه ندارید بی‌پروای مکن (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ)؛ چراکه در باره گوش و چشم و دل از همه بی‌انهاست. (إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) یعنی هر آن چیزی که به آن علم ندارید بی‌پروای مکن؛ حال فرقی نمی‌کند این بی‌پروای اعتقادی باشد یا عملی. معنای آیه چنین است: به آن چیزی که برایت یقین نشده معتقد مشو، چیزی را که به صحت آن علم ندارید بازگو مکن، کاری را که به درست بودن آن مطمئن نیستی انجام مده. <sup>(۱)</sup> عمل کردن به این دستور گران‌سنگ قرآن، ریشه بسیاری از نابسامانی‌های فردی و اجتماعی را برطرف می‌سازد، چراکه بی‌پروای از حدس و گمان، روحیه سخت‌گیرانه و کنجکاو را گرفته و انحرافات فکری را به سرعت در اجتماع منتشر می‌سازد. مردم را سطحی و زودباور بار می‌آورد. آبروی افراد را که هم‌سنگ جانشان است به راحتی از دست می‌برد و بازار شایعات پر رونق می‌گردد. هر کس در باره هر چیزی بی‌مهابا قضاوت می‌کند و نهایتاً اعتماد عمومی از بین رفته روحیه محبت و تعادل به تنفر و سردی می‌گراید. نتیجه جامعه به ویرانه‌ای تبدیل می‌شود که هر گونه رشد و تعالی در آن متوقف و غیرممکن می‌گردد. اما با عمل به این دستور همه این نابسامانی‌ها برطرف می‌گردد. به عنوان مثال اگر به این آیه عمل شود، شبهات اعتقادی به این سادگی موجب تزلزل

دینی در افراد نمی‌شود؛ زیرا انسان عاقل و دیندار واقعی اعتقادات خود را برهانی و علمی فراگرفته و پیرو علم است. شبهه را به محض ورود نمی‌پذیرد بلکه آن را تحقیق می‌کند اگر به مرحله علم رسید به آن معتقد می‌شود و الاً ترتیب اثر نمی‌دهد و علم تبتی خود را فدای یک حدس و گمان بی‌اساس نمی‌کند. اگر مؤمنان همه به این نیت مطلق قرآنی عمل کنند، دین و فرهنگ به سادگی پژمرده نمی‌شود؛ بلکه رشد پیدا کرده بندگان سوره و اسعادات و افکاری که از اتقان و استحکام کافی برخوردار نبوده جای خود را به علم و دانش متقن و مستحکم می‌دهند. متأسفانه در جامعه ما و بسیاری از جوامع کشورهای دیگر پیروی از ظن، گمان، شعر، مدح، حدسیات و مبالغه در مدح و ذم رواج دارد. با ساده‌ترین شبهه‌ها دم تسلیم شده دچار شک و انحراف می‌شوند. در امور سیاسی و اجتماعی نیز روحیه موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیری شده و افراد دلسوزی را خانه‌نشین و انسان‌های بی‌ارزش و نادان را صدرنشین نموده و جامعه را از حیات علمی و معنوی دور کرده است.

**حدیث:** ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که رسول خدا فرمود: روز قیامت نمی‌گذارند انسان قدم بردارد جز اینکه از او چهار پرسش می‌کنند: عمرت را کجا سپری کردی؟ جسدت را به چه کاری گرفتی؟ مالت را از چه راهی دست آوردی و کجا خرج کردی؟ و نسبت به محبت و پیروی از ما اهل بیت سؤال خواهد شد<sup>(۱)</sup> و همه این امور از راه علم به دست می‌آید.

تمامی کسانی که در دنیا گرفتار مصیبت‌ها می‌شوند حاصل این است که آنها به ظن و حدس عمل کرده‌اند. در جستجوی این نبودند تا در باره کاری که انجام می‌دهند یا عقیده‌ای که به آن ایمان می‌آورند و چیزی را که انکار می‌کنند، بر دلیل علمی و یقین استوار باشد. حتی اکثر آنهایی که جهنم می‌روند به این خاطر است که



به ظنّ و گمان عمل کرده‌اند و بدون کسب یقین گفته‌اند معادی در کار نیست. این دستور قرآنی، یک امر فطری و مقبول طبع هر انسانی است که می‌خواهد به واقع و حقیقت دست یابد. می‌بینید دانشمندان در مورد دارویی، ماهها روی حیوانات و سپس در مورد انسان آزمایش می‌کنند و وقتی به قطع و یقین رسیدند آن را به عنوان دارویی مطمئن معرفی می‌کنند؛ پس آنها به این آیه «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» عمل کرده‌اند. در صنایع نیز همین قانون رعایت می‌شود که اگر کمی مسامحه شود خسارت بسیار از پذیرایی پیش می‌آید. بنابراین انسان وظیفه دارد در مورد موضوعی که می‌تواند به علم و یقین دست یابد، همین کار را انجام دهد و اگر در موردی قادر نیست نسبت به آن کسب علم شود باید به کسی مراجعه کند که او شخصاً به علم مورد نظر نایل شده است. مثلاً ما در مورد معالجه و جراحی بیماری خود نمی‌توانیم کسب علم کنیم؛ از این رو به کسانی مراجعه می‌کنیم که آنها کسب علم و تخصص کرده‌اند. چون به علم آنها یقین داریم از آنها تبعیت می‌کنیم و از این راه با علم واسطه‌ای، به مورد نظر خود به یقین نایل می‌شویم. از این رو تقلید از متخصص یک امر معقول و علمی است و عمل به ظنّ و گمان تلقی نمی‌شود. همین به در اینجا مایه تأسف است این است که غالب مسلمانان در مورد اعتقادات دینی و احکام شریعت به ظنّ و گمان عمل می‌کنند و باورهای خود را با سند علم و برهان به مرحله باورهای یقینی نمی‌رسانند. آنها با مدح یا ذمّ شاعری می‌خواهند کسی را به کمال و دیگری را به رذیله بشناسند، عده‌ای می‌خواهند دین، ثواب، گناه، ترک و فعل خود را از شاعر و مداح که غالباً آنها از معارف و اسرار قرآن و سنت و شریعت آگاهی علمی ندارند، بی‌گبگیرند. در صورتی که قرآن از ما خواسته است که عقاید دینی خود را با علم یقینی نه با علم تنها، فراگیریم. امتیاز علم یقین آن است که انسان حقانیت نبوت، معاد، جزای اعمال و غیره را با دلیل و برهان یاد بگیرد و در ضمن پاسخ ایرادها و اشکالات فرضی بر علیه آن عقاید را نیز فراگیرد از این رو هر کسی با هر نوع شبهه‌ای به جنگ عقاید

شما بیاید روی پیروزی نخواهد دید و لذا فرمود: كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ - لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (تکواثر / ۵-۶). یعنی اینکه شما دنبال سرگرمی‌های بی‌فایده و یا تا آخر دنیوی نسبت به یکدیگر می‌روید، به خاطر این است که به معاد باور ظنی دارید. اگر شما به آخرت علم قطعی پیدا می‌کردید، سراغ این سرگرمی‌های موهوم نمی‌رفتید، بلکه دنبال کسب فضایل و رفع رذایل بودید و به آخرت می‌اندیشیدید و با مشاهده قلبی اینم را می‌دیدید.

ابوالفضل بهرام‌پور

تهران / شهریور ۱۳۸۳

www.ketab.ir